

با گسترش صنعت چاپ نت و ظهور صفحات ضبط صدا،

صفحات ضبط صدا، موسیقی به بخش

جدایی‌ناپذیری از زندگی نظامی و

غیرنظامی تبدیل گشت. در ایالات

متحده، ورود به جنگ با جریانی از

آثار موسیقایی همراه بود که افکار

عمومی را به نفع مداخله نظامی متحد

می‌کرد.

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

گروه‌های نوازندهٔ «موسیقی‌های صلح» در جریان جنگ جهانی اول

از سَنگ‌های گل‌آلود جنگ جهانی اول تا پلنفرم‌های دیجیتال سال

۲۰۲۶، موسیقی همواره فراتر از یک هنر شنیداری، به سلاحی نامرئی در

میدان نبرد بدل شده است؛ سلاحی که گاه برای تهییج و نفرت‌پراکنی به کار

رفته و گاه به آخرین پناه انسان برای حفظ امید، هويت و بقا تبدیل شده

است. روایتی که نشان می‌دهد نغمه‌ها، حتی در دل ویران‌ترین جنگ‌ها،

می‌توانند هم‌زمان هم آتش بی‌غروزند و هم خاموش‌کننده آن باشند.

برحانه اسکندری: جنگ جهانی اول نخستین تجربه‌ای بود که در آن

موسیقی به صورت انبوه و سازمان‌یافته برای اهداف نظامی و غیرنظامی به

کار گرفته شد.

با گسترش صنعت چاپ نت و ظهور صفحات ضبط صدا، موسیقی به

بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی نظامی و غیرنظامی تبدیل گشت. در ایالات

متحده، ورود به جنگ با جریانی از آثار موسیقایی همراه بود که افکار عمومی

را به نفع مداخله نظامی متحد می‌کرد. آثاری نظیر «بیدار شو آمریکا!» و

«برای پرچم آمریکا جنگ!» پس از غرق شدن کشتی لوسیتانیا در سال

۱۹۱۵، نقش مهمی در تغییر ذهنیت انزواطلبانه جامعه ایفا کردند.

موسیقی در این دوران به مثابه «مهمان معنوی» شناخته می‌شد؛

ژنرال جان جی. پرشینگ معتقد بود موسیقی برای سربازان به اندازه خواب

و غذا ضروری است و موسیقی نقشی حیاتی در حفظ روحیه ایفا می‌کند.

آهنگ‌های سفارشی مانند «جانی، تفنگت را بردار و سرباز شو» به پر کردن

صفوف ارتش کمک می‌کردند و قطعاتی نظیر «بیاپید همه اکنون آمریکایی

باشیم» یا تصویر سربازانی ملبس به اونیفرم بر روی جلد نت‌های موسیقی،

حس وحدت ملی را تقویت می‌کردند.

در این میان، بیش از ۳۵ هزار اثر دارای حق چاپ در مورد این منازعه ثبت

شد که ادعای ایروینگ برلین مبنی بر اینکه تاریخ آمریکا را می‌توان از طریق

موسیقی‌اش ردیابی کرد، تأیید می‌کند. موسیقی در جبهه جنگ جهانی اول

نه تنها ابزاری برای تهییج، بلکه وسیله‌ای برای بقا بود.

سربازان در سنگرهای مرطوب و تحت فشار بمباران‌های مداوم، با خواندن

سرودهای دسته‌جمعی که توسط انجمن مسیحی مردان جوان (YMCA)

سازماندهی می‌شد، با دلنگنی و فرسودگی مبارزه می‌کردند. گروه‌هایی مانند

«جاز مثال قراضه» یا «فقط دخترها» با اجرای برنامه‌های زنده، لحظاتی از

آرامش را به میانه جهنم نبرد می‌آوردند.

موسیقی کلاسیک نیز از این تحولات مصون نماند؛ آهنگسازیانی چون

چارلز آیوز با الهام از شعر معروف «در دشت‌های فلاندرز» قطعاتی

نوشتند و ارکسترهای آمریکایی اجرای آثار آهنگسازان آلمانی را به نشانه

میهن‌پرستی متوقف کردند. این رویکرد نشان‌دهنده استفاده از موسیقی به

عنوان ابزاری برای مرزبندی با دشمن و تحقیر فرهنگ او بود؛ به طوری که

آلمانی‌ها در اشعار این دوران به عنوان بربرهایی به تصویر کشیده می‌شدند

که باید نابود شوند.

از سوی دیگر، آهنگ‌های طنزآمیزی مانند «خواهر سوزی برای سربازان

پیرانه می‌دوند» یا «اگر او بتواند همان‌طور که عشق می‌ورزد بجنگد،

شعبخیر آلمان» با استفاده از شوخی، بار روانی جنگ را برای خانواده‌ها در

پشت جبهه سبک‌تر می‌کردند.

پارادوکس نغمه‌های فرامرزیز: از لیلی‌مالرین تا کاتیوشا

جنگ جهانی دوم شاهد ظهور پدیده‌های موسیقایی بود که مرزهای

جبهه‌ها را درنوردیدند. معروف‌ترین نمونه، ترانه «لیلی‌مالرین» است. این

ترانه که بر اساس شعری از یک سرباز آلمانی در جنگ جهانی اول نوشته

شده بود، ابتدا با استقبال سردی مواجه شد اما پس از پخش از رادیو بلگراد

در سال ۱۹۴۱، به محبوبیتی بی‌نظیری میان هر دو جبهه متحدین و متفقین

دست یافت.

محبوبیت این آهنگ چنان بود که جوزف گوپلز، وزیر تبلیغات نازی، آن را

به دلیل رویکرد شکست‌طلبانه ممنوع کرد، اما سربازان آلمانی و بریتانیایی

همچنان هر شب برای شنیدن آن رادیوهای خود را تنظیم می‌کردند. این ترانه

به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شد و نسخه‌های مختلفی از آن ملودی چنان قدرتمند

چون آن شلتون، ورا لین و بعدها مارلنه دیتریش ضبط شد که هر کدام رنگ

و بوی ملی خود را به آن بخشیدند. در جبهه شرق، سرود «کاتیوشا» که در

سال ۱۹۳۸ ساخته شده بود، به نماد مقاومت ارتش سرخ تبدیل گشت.

کاتیوشا داستانی عاشقانه از دختری است که برای محبوب سربازش آواز

می‌خواند و از او می‌خواهد از میهن محافظت کند. این ملودی چنان قدرتمند

بود که نام آن بر روی راکت‌اندازهای موقف ارتش سرخ گذاشته شد.

نسخه‌های بین‌المللی کاتیوشا نیز شگفت‌انگیز است؛ در ایتالیا، فیلیچه

کاشونه متن جدیدی با عنوان «ورژ باد» (Fischia il vento) بر روی

این ملودی نوشته که به یکی از اصلی‌ترین سرودهای پارتیزان‌های ضد

فاشیست تبدیل شد. حتی در جبهه مقابل، نیروهای لشکر آبی اسپانیا

که در کنار نازی‌ها می‌جنگیدند، از این ملودی برای سرودی به نام «بهار»

استفاده کردند. کاتیوشا در چین، ایسلند و حتی ژاپن با عنوان آهنگ کاتیوشا

بر اساس رمان تولستوی) نسخه‌های بومی پیدا کرد که نشان‌دهنده نفوذ

فرهنگی ملودی‌های ساده اما عمیق در زمان بحران است.

در همین دوران، «بلا چاو» به عنوان نماد مقاومت ضد فاشیستی در

ایتالیا ظاهر شد. اگرچه شواهد قطعی مبنی بر خوانده شدن گسترده آن

توسط پارتیزان‌ها در طول جنگ وجود ندارد، اما پس از جنگ به سرودی

جهانی برای آزادی‌خواهان تبدیل شد. ریشه‌های این آهنگ به کارگران

مزارع برنج شمال ایتالیا بازمی‌گردد و این پیوند میان رنج کارگر و مبارزه

مسلحانه، به آن وجه‌ای فراملی بخشید که بعدها در جنبش‌های اعتراضی

ایران و سایر نقاط جهان بازتاب یافت. جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹)

پیش‌درآمدی بر استفاده اپینولوزیک از موسیقی در نبرد میان دموکراسی،

سوسیالیسم و فاشیسم بود. سرود «آی کارملا» که ریشه در نغمه‌های قرن

نوزدهم علیه تهاجم ناپلئون داشت، توسط نیروهای جمهوری‌خواه با متن‌های فر

جدید بازخوانی شد. این آهنگ با نام‌هایی چون «عبور از ایرو» یا «زنده باد

تپ پارتیزم» توسط داوطلبان بین‌المللی از سراسر جهان خوانده می‌شد.

داوطلبان آرتائنتینی، ایرلندی و آمریکایی که در قالب «تیپ‌های بین‌المللی»

به اسپانیا آمده بودند، ملودی‌های بومی خود را با آرم‌های ضد فاشیستی

ترکیب کردند. تحلیل موسیقایی این آثار نشان‌دهنده استفاده از گام‌های

فلامنکو و ساختارهای سنتی اسپانیایی است که به آن اصالتی مردمی

می‌بخشید و آن را به ابزاری برای همبستگی جهانی تبدیل می‌کرد.

گسترش صنعت چاپ نت و ظهور صفحات ضبط صدا،

# موسیقی بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی نظامی و غیرنظامی



**نغمات در حصار سیم‌خاردار؛ دوری سکه موسیقی در جنگ کره**

در تاریخ منازعات شبه‌جزیره کره، موسیقی صرفاً یک فنر شنیداری نبود،

بلکه به عنوان برنده‌ترین سلاح روانی برای ترسیم مرزهای عقیدتی میان

شمال و جنوب به کار گرفته شد. در حالی که رزمندگان در دو سوی مدار ۳۸

درجه می‌جنگیدند، دو جر جان موسیقایی کاملاً متفاوت، اتمسفر فکری این

نبرد خونین را شکل می‌داد.

**شمال؛ حماسه و سببیرهای پیروزی**

در پیونگیانگ، موسیقی با الگوبرداری از مارش‌های نظامی شوروی،

ماهیتی کاملاً انقلابی و تهاجمی داشت. قطعاتی که در این دوره ساخته

شدند، بر ستایش از فداکاری در راه رهبری و ایستادگی صلب در برابر

«امپریالیسم» متمرکز بودند. سازهای بادی برجی و گروه‌های کر برج‌معیّت،

وظیفه داشتند حس شکست‌ناپذیری را به سربازان تزریق کنند.

**جنوب؛ مرثیه‌ای برای خانه‌های دوربند**

برخلاف مسمیاسه شمالی، موسیقی در کره جنوبی طی سال‌های جنگ،

زبانی عاطفی و ملی‌گرایانه به خود گرفت. به دلیل آوارگی میلیون‌ها نفر،

ترانه‌های محبوب این دوره مانند قطعه مشهور «قوی باش کوم‌سون» (Be

Strong, Geum-soon)، به جای شعارهای سیاسی، روایتگر درد جانکاه

جدایی خانوادها و امید به بازگشت به خانه‌های اشغال‌شده بودند.

سبک «تروت» با ملودی‌های سوزناک خود، در این دوران به پناهگاه

روحی پناهنده‌گانی تبدیل شد که در ویرانه‌های جنگ به دنبال معنا می‌گشتند.

این دوگانگی نشان می‌دهد که چگونه یک ملت واحد، در بزنگاه جنگ،

از موسیقی دو استفاده کاملاً متفاوت کرد: یکی برای ساختن آرمان‌شهری

نظامی و دیگری برای سوگواری و حفظ هویت انسانی در میانه خاکستر